

قاتلانی که قصاص نمی شوند

مجازات جرم قتل عمدی در قانون مجازات اسلامی ایران پس از اثبات در دادگاه کیفری یک و براساس تقاضای اولیای دم مقتول؛ علی الاصول، قصاص نفس است یعنی قاتل، قصاص می شود.

محمد غمخوار

کارشناس ارشد حقوق جزا

البته از نظر قانونی قتل عمد زمانی محقق می شود که قاتل هم قصد فعل و هم نتیجه را داشته باشد. حال در برخی موارد هر چند ارکان جرم قتل و شرایط تحقق آن وجود دارد اما قاتل قصاص نمی شود. شرایط و موانع قانونی مسئولیت کیفری که موجب عدم قصاص قاتل مرتکب قتل عمد می شود بر اساس منابع شرعی و قانونی، تعریف شده است.

یکی از مواردی که باعث می شود فرد قصاص نشود، مجنون بودن قاتل در زمان ارتکاب جرم است. قانون گذار در قانون مجازات اسلامی یک ملاک برای تشخیص مجنون ارائه کرده است. در ماده ۱۴۹ آمده است «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می شود». پس وجود اختلال روانی به حدی که فرد اراده یا عقل خود را از دست بدهد، ملاک مجنون بودن افراد است.

در رابطه با مسئولیت کیفری مجرم مجنون، شرایط مانند فرد نابالغ است و اگر مرتکب جرمی مانند قتل شود، مجازات نمی شود. در حالی که فرد مجنون که اراده یا قوه عقل برای رفتارهای خود ندارد نباید مجازات شود اما اگر حالات و رفتار وی خطرناک بوده و آزاد بودنش باعث اختلال در امنیت و نظم جامعه باشد، در این حالت نباید او را در جامعه رها کرد و براساس قانون تازمان بهبودی یا رفع حالت خطرناک در مراکز و بیمارستان های روانی مشخصی نگهداری و تحت مراقبت خواهد بود. نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، تفاوت بین مجنون ادواری و دائمی است.



جنون دائمی در واقع وضعیت یا بیماری است که فرد دائماً به آن دچار است. جنون ادواری نیز وضعیت یا بیماری است که گاهی فرد در دوران صحت و عاقلانه رفتار می کند و گاهی دچار جنون است.

کسی که جنون دائمی دارد، شرایطش مانند مواردی است که در بالا به آن اشاره شد. حال اگر فرد مبتلا به جنون ادواری مرتکب قتل شود برای رفع مسئولیت و مجازات نشدن؛ باید ثابت شود در حالت جنون مرتکب جرم باشد نه در حالت سلامت عقل. حال اگر فرد مجنونی مرتکب قتل شد، چه کسی باید دیه مقتول را پرداخت کند؟ جنایاتی که مجبور اعم از صغیر و مجنون انجام می دهد، حتی اگر عمد یا شبه عمد باشد، خطای محض محسوب می شود و به این ترتیب پرداخت دیه به عهده فرد عاقله قرار می گیرد. این حکم براساس بند ب از ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی است که بیان داشته: «جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می شود: ... (ب) به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد».



مجنون جنجالی

یکی از پرونده های جنجالی قاتلان مجنون، مربوط به قتل پسر ۱۰ ساله ای در یکی از محله های جنوب تهران است. مقتول که سپهر نام داشت دهمین روز شهریور سال ۹۴ از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت. پس از آن جست و جو برای یافتن او آغاز و در نهایت مشخص شد مردی معتاد پس از قتل کودک ۱۰ ساله سر او را بریده است. ۷۲ ساعت پس از این جنایت، متهم به قتل به نام اشکان در یکی از بوستان های جنوب شهر دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد. آغاز بازجویی ها از اشکان تاحدودی تعادل روانی اش را زیر سؤال برد و بازپرس او را به پزشکی قانونی معرفی کرد.

اعضای کمیسیون پنج نفره پزشکی قانونی ابتدا سلامت عقلی او را تأیید کردند اما در مرحله بعد نظر دادند متهم به بیماری روانی مبتلاست. بنابراین بازپرس جنایی قاتل را برای درمان به آسایشگاه روانی فرستاد. پرونده نیز به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد اما خانواده سپهر به نظریه پزشکی قانونی اعتراض کردند و پرونده برای رفع نقص بار دیگر به دادسرای جنایی بازگشت.

متهم ۳۵ ساله در مراحل بازجویی گفت: «در خانه بودم که صدایی به من گفت اشکان عجله کن، چاقو را از آشپزخانه بردار و به کوچه برو. چاقو را برداشتم و به کوچه رفتم. پسر بچه ای را دیدم که او را پیش از این در رؤیاهایم دیده بودم. او شبیه بچگی های خودم بود. دیگر چیزی نفهمیدم و فقط یادم می آید شب در پارک خوابیدم و بعد مردی در خیابان مرا صدا زد و وقتی برگشتم به دستانم دستبند زد.» او همچنین درباره زندگی خود گفت: «۱۲ سال قبل، از غرب کشور به تهران آمدم و همراه مادرم که اکنون ۹۰ سال دارد در خیابان وحدت اسلامی ساکن شدیم. سال ۸۲ با مدرک دیپلم در بانک استخدام شدم اما بعد از پنج سال وقتی برادرم مرا به کراک معتاد کرد، اخراج شدم. برادر و خواهرانم همه تحصیل کرده و مدیر هستند اما من معتاد به مرفین هستم.» پس از چند بار بررسی سلامت روانی متهم، سرانجام پزشکان تایید کردند او مجنون است و در زمان قتل از خود اراده ای نداشته و باید در بیمارستان بستری شود.



فرد مجنون که اراده

یا قوه عقل برای

رفتارهای خود ندارد

نباید مجازات شود اما

اگر حالات و رفتاری

خطرناک بوده و آزاد

بودنش باعث اختلال در

امنیت و نظم جامعه

باشد، در این حالت

نباید او را در جامعه

رها کرد

